



برخی مصلحت‌های قضایی شرعی نیست

عضو هیات علمی دانشگاه مذاهب اسلامی گفت: وجود نابرابری موجب سلب اعتماد به عنوان بزرگترین سرمایه یک حکومت می‌شود و این بسیار بدتر از ضربه‌ای است که از تبلیغات کشورهای خارجی به نظام زده می‌شود.

عضو هیات علمی دانشگاه مذاهب اسلامی گفت: وجود نابرابری موجب سلب اعتماد به عنوان بزرگترین سرمایه یک حکومت می‌شود و این بسیار بدتر از ضربه‌ای است که از تبلیغات کشورهای خارجی به نظام زده می‌شود.

به گزارش شبکه اجتهاد، دکتر سیداحمد حبیب‌نژاد در این باره گفت: انسان‌ها با یکدیگر یک برابری ذاتی و یک برابری عرضی دارند، برابری ذاتی یعنی اینکه انسان‌ها همه از یک جنس و گوهر خلقت آفریده شده‌اند یعنی رنگ، نژاد، زبان، قومیت و مذهب هیچ تاثیری در برتری افراد ندارد و برابری عرضی هم برابری در مقابل حقوق و تکلیف است.

وی ادامه داد: این یعنی انسان‌ها در حقوقی که دارند مثل حق اشتغال، مسکن و بهره‌مندی از مواهب دنیوی برابری دارند. به این مفهوم که هرکس در این موقعیت قرار بگیرد باید به همان موقعیت برسد.

این استاد دانشگاه افزود: در تکالیف هم همین‌طور است یعنی انسان‌ها در مقابل تکالیفی که از سوی مرجع صالح یا قانونگذار وضع شده برابری دارند و اگر تکالیفی که در یک موقعیت حقوقی وجود داشته باشد هرکسی در این موقعیت حقوقی قرار بگیرد مکلف است و اگر کسی در جایگاه یک متهم قرار گرفت همین که متهم شد سواد، علم، زبان، قومیت، مقام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و هیچ چیزی در قرار گرفتن در آن موقعیت نباید دخالت داشته باشد.

این حقوقدان تصریح کرد: مگر اینکه خود قانونگذار بنا به مصالح بزرگتری که در نظر می‌گیرد برای آن فرد یک برتری قائل شود مثل مصونیت پارلمانی-که طبق تفسیر شورای نگهبان در آن هم حرف وجود دارد- بحث مصونیت برای نمایندگان سیاسی کشور یا بحث مصونیت قضات؛ یعنی اینکه قضات اول باید تعلیق شده بعد محاکمه شوند.

وی ادامه داد: کسی نمی‌تواند این ایراد را بگیرد که این نابرابری است؛ می‌گویند این اقتضاء است و قانونگذار مصلحت دانسته است چون اگر این‌طور نباشد قوه مجریه به راحتی می‌تواند با قرار دادن یک قاضی در موقعیت‌های جرم قاضی را تحت تاثیر قرار دهد.

این عضو هیات علمی دانشگاه مذاهب اسلامی تاکید کرد: غیر از این موارد که محدود هستند هر جایی شک به وجود آمد باید به اصل برابری برگردید یعنی برای هیچ کس در هیچ مقامی برتری در مقابل قانون گذاشته نشده است.

حبیب‌نژاد افزود: طبق بند 5 اصل 3 قانون اساسی، یکی از تکالیف دولت طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ استعمار است و بند بعدی می‌گوید 'محو هرگونه استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی' که از آن برداشت می‌شود نتیجه نابرابری در مقابل قانون خودکامگی و انحصارطلبی است.

وی ادامه داد: بالاتر از این، در اصل 19 فصل سوم اینها را با صراحت بیشتری داریم که می‌گوید: مردم ایران از هر قوم و قبیله باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و هر ویژگی دیگر سبب امتیاز نخواهد بود. در اصل 20 هم آمده همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

این استاد دانشگاه افزود: اصل 22 می‌گوید که حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن همه اشخاص از تعرض مصون است و عنوانی که قانونگذار می‌آورد 'هر کس' است مثلاً در اصل 28 داریم که هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است بکار گیرد یا اصل 29 که می‌گوید برخورداری از تأمین اجتماعی حق همه است.

وی ادامه داد: ملاحظه می‌شود که عبارات قانون کاملاً عبارتی مطلق است که آن موقعیت حقوقی را در نظر می‌گیرد لذا به هیچ وجه چه در تکالیفی که قانونگذار بر شهروندان گذاشته، چه در حقوقی که شهروندان از دولت می‌خواهند برتری وجود ندارد و همه انسان‌ها یکسانند و در این زمینه حدیثی از پیامبر (ص) داریم که همه انسان‌ها با هم برابرند مثل دانه‌های شانه.

وی با اشاره به اهمیت نقش قاضی در این زمینه گفت: مهم‌ترین ابزار برای اینکه قاضی رفتار برابر داشته باشد استقلال قضایی است، یعنی قاضی در قضاوتش مستقل باشد و طبق وجدان بیدار و بر اساس مستندات قانونی رای بدهد چرا که نابرابری در صورتی به وجود می‌آید که قاضی استقلال قضایی نداشته باشد و تا بخواهد حکم بدهد تلفن زنگ بخورد، نامه زده شود.

حبیب‌نژاد با اشاره به جریان حضور حضرت علی (ع) و یک یهودی در دادگاه و با بیان اینکه وجدان منصف و بی‌طرف قاضی مهمترین ضمانت اجرای برابری در دادگاه است، ادامه داد: اگر قاضی به لحاظ علمی و معنوی آن قدر خودش را ساخته باشد که تحت تاثیر اسم پول، مقام سیاسی، حزبی، شغلی و دولتی قرار نگیرد اینجا استقلال قضایی وجود دارد و عدالت ایجاد خواهد شد.

این استاد دانشگاه با اشاره به اهمیت وظیفه دستگاه قضا در ایجاد استقلال قضایی وجود دارد و در اینجا یکی بحث مالی قضات است یعنی قاضی دادگستری آن قدر باید از لحاظ مالی تأمین باشد که فقیر و غنی برایش تفاوت نداشته باشد. دومین نکته هم عدم فشار از سوی مقامات قضایی است چرا که معروف است که در قوه قضائیه سلسله مراتب قضایی وجود دارد نه سلسله مراتب اداری؛ یعنی مثلاً

رییس دادگستری نمی‌تواند در شهرستان نسبت به عمل قضایی قاضی اعمال نظر کند. حبیب‌نژاد ادامه داد: بله يك قاضی به عنوان يك کارمند در سلسله مراتب دادگستری وجود دارد اما به عنوان يك قاضی سلسله مراتب ندارد لذا فشار نباید از سوی مقامات قضایی وجود داشته باشد. وی با تاکید بر عدم اعمال مصلحت‌های بی‌جا از سوی دستگاه قضا افزود: بعضی وقت‌ها خیلی از مصلحت‌هایی که بر اساس آن به قاضی گفته می‌شود این‌طور حکم دهید مصلحت‌هایی است که شرعی نیستند یعنی به جای اینکه مصلحت عمومی باشد مصلحت گروهی یا شخصی است و این يك نکته منفی است. این استاد دانشگاه با تاکید بر اینکه در حد امکان باید در قوانین، آیین‌نامه‌ها و مقررات دولتی‌مان بحث برابری لحاظ شود، افزود: مثلا در قوانین بین کارگر و کارفرما، پیمانکار و اداره، کارمند و اداره توازن ایجاد شود زیرا توازن منافع بهترین راه است یعنی نه آن‌طور طرف کارگر گرفته شود که اقتصاد کارفرما به هم بخورد و نه آنقدر طرف کارفرما گرفته شود که کارگر بدبخت شود. وی با اشاره به بحث اطاله و هزینه دادرسی گفت: اگر بشود که دادگاه را در دسترس همه قرار بدهند و دادگاه زودتر احکام را صادر کند این خود می‌تواند در برابری افراد در استفاده از دستگاه قضایی مفید باشد. این حقوقدان افزود: توسعه هر کشوری مبتنی بر اعتمادی است که بین مردم و قوه حاکمه وجود دارد شاید مهمترین چیزی که موجب بی‌اعتمادی مردم نسبت به قوه حاکمه می‌شود دیدن نابرابری است یعنی دیدن حتی يك نابرابری موجب می‌شود شهروندان از تحلیل بسیاری از برابری‌هایی که در قانون هست صرف نظر کنند. حبیب‌نژاد با بیان اینکه وجود نابرابری موجب سلب اعتماد به عنوان بزرگترین سرمایه يك حکومت می‌شود، افزود: يك اقدام دادگاه در ترویج نابرابری ضربه‌ای که می‌زند بسیار بدتر از ضربه‌ای است که از تبلیغات کشورهای خارجی به نظام زده می‌شود.

منبع: خبرگزاری ایسنا